

فرصت طلبان تاریخ



احمد غلامی

یک ملت بیش از هر چیز تحت تاثیر چیست؟ بسیاری باور دارند تاریخ نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت ملت‌ها دارد و ما اسیر دست تاریخ هستیم و ناچار آن را تکرار می‌کنیم. این دیدگاه انکارناپذیر است، اما خلاف آن نیز وجود دارد؛ مردم نشان داده‌اند توجه جدی به رخدادهای تاریخی ندارند و چه‌بسا راه‌های رفته و اشتباهات پیشینیان را نه به‌عنوان تکرار گذشته بلکه ظاهراً به‌عنوان امر نو بازتولید می‌کنند. در اینجا تفاوتی جدی بین تکرار و بازتولید وجود دارد. بازتولید به اعتباری مرتبه بالاتری از تکرار دارد. اگر فرض کنیم تکرار از تقلید نشئت می‌گیرد، بازتولید نوعی خلاقیت جعلی است که ضمن تشابه با واقعیت آن را از ریخت می‌اندازد و به این توهم دامن می‌زند که امر نو اتفاق افتاده است. این امر نو، در واقع امر کهنه‌ای است که عمر آن در تاریخ گویی به سر نیاوده است. بسیاری از کارها و طرح‌هایی که به‌عنوان کارها و طرح‌های بدیع به حکومت و دولت فروخته می‌شود، دستکاری و تحریف ابداعات گذشته است، اما چون بازتولید شده، جعلی‌بودنش آگاهانه یا ناآگاهانه نادیده گرفته می‌شود.
فراتر از این، می‌توان ادعا کرد که بازتولید اجتماعی و سیاسی بر ذهن و زبان ما رسوخ کرده است. ما کارهایی را انجام می‌دهیم که دیگران به دلیل انجام آنها مورد انتقادمان هستند؛ برای مثال بسیاری از مدیران میانی در دولت مواجهه انتقادی با مدیران بالادستی خود دارند و گاهی نیز به شیوه رفتارشان منتقدند، ولی در مقام اجرا همان رویه را در پیش می‌گیرند. این مسئله در رابطه حکومت و مردم نیز صادق است. مردم تندترین انتقادات را به حکومت می‌کنند، ولی در زندگی روزمره دست به بازتولید همان کارها و اعمالی می‌زند که چه‌بسا خود به آن انتقاد دارند. شما در انجام اعمال تکراری متوجه فرایند تکرار می‌شوید، اما در بازتولید نه؛ چون موضوع و محتوای واقعیت دستکاری شده و نوعی شبه‌واقعیت تولید می‌شود که تکرارش پنهان مانده است. در یک کلام، تاریخ تاثیر چندانی بر اکنون ما ندارد. آنچه ما انجام می‌دهیم بیش از هر چیز «فراتاریخ» است. اکنون جوامع در سلطه فراتاریخ قرار دارند؛ یعنی در سلطه روایت‌ها و تفاسیر خود از تاریخ هستند. در واقع هر تمدن پرسابقه‌ای در طی سالیان سیری‌شده، تفاسیر مسلطی از وقایع و اتفاقات تاریخی را به‌عنوان واقعیت پذیرفته است. واقعیت یک پدیده تاریخی الزاما با تفاسیری که مردم از آن دارند منطبق نیست، اما مردم آن را به خاطر هم‌اویی با وجود خود درونی کرده‌اند. برای مثال، تفاسیر متفاوتی از قهرمانان «شاهنامه» چنان در روح و جان جامعه ایران رسوخ کرده که اگر اکنون کسی ویژگی این قهرمانان را داشته باشد، بی‌درنگ بر دل می‌نشیند. اینکه می‌گویند هر آنچه از دل برآید بر دل نشیند، به دلیل نزدیکی آن موضوع به تجربه ما یا درون ما است. تفاسیر فراتاریخی از وقایع دینی نیز چنین هستند. این تفاسیر اکنون ما را ساخته‌اند و چه‌بسا آینده ما را. به قول هانری کربن، آینده را باید از دل گذشته بیرون کشید. اینکه بارها با این پرسش مواجه شده‌ایم که چرا ما چنین مردمی هستیم، به دلیل تفاسیر فراتاریخی است که هویت ملی و دینی ما را ساخته است. از این‌رو، بی‌دین‌ترین افراد نیز در بطن خود هنوز با دینداری درونی‌شده درگیرند و کسانی که ملیت خود را انکار می‌کنند، در بزنگاهی ناگهان به شکلی افراطی ملی‌گرا می‌شوند. جامعه ایران استثنا نیست. همه جوامع کم‌وبیش در سیطره فراتاریخ و قرائت‌جافته‌اند آن قرار دارند. البته در گذر زمان و در پیدایی نسل نو برخی از این تفاسیر تاریخی دستخوش زوال می‌شوند یا تغییرات اجتماعی و سیاسی آنان را از اعتبار می‌اندازند. در این بزنگاه است که برخی تلاش می‌کنند روایتی را که در تفسیرهای تاریخی اسقاط شده یا مورد انتقاد و طرد واقع شده است، بازتولید کنند و آلترناتیو را به‌عنوان شبه‌واقعیت جا بیندازند. نمونه‌های بسیاری از این تفاسیر جایگزین در این روزها در فضای عمومی کشور دربراره شخصیت‌ها و وقایع تاریخی سیاسی وجود دارد. این کار نوعی فرصت‌طلبی تاریخی است برای بازگرداندن تفاسیر مطرود از سوی مردم و جعل آن به‌عنوان فراتاریخ.

شنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۵
۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره۵۴۷۲
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

این داستان هیچ وقت تمام نمی‌شود • معادله گیشه تغییر کرد • از قضا، از غذا آغاز شد • روایت ایران از شهرهای سنگگو می‌آید

پزشکیان در دهلی نو با تأکید بر نقش آفرینی ایران در بریکس:

تقویت چندجانبه‌گرایی

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



گفت‌وگوی احمد غلامی، پاپه‌مین فرمان‌آ را به مناسبت روز ملی سپهتما

هیچ وقت کارگردانی برده نبودم

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس‌ها: سپهناگل، شرق



واکاوی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در گفت‌وگو با احدرضایان قیه‌باشی

بازگشت به نقطه صفر هسته‌ای

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

ایران و آمریکا، جنگ و ناچنگ در ۳ سناریو



سیدعلی طباطبایی

استادداشتگاه

ولای یهودیان آمریکا، دیوار بلند بی‌اعتمادی میان طرفین، بازیگران رادیکال در سیاست داخلی طرفین و تجربه تلخ ایران از دو بار تهاجم در هنگام مذاکره، با مشکلات مهمی روبه‌رو است. با این وجود، به نظر می‌رسد با فرسایش محتمل طرفین به دلیل عدم تحمل هزینه‌های مادی و معنوی، پایان تاب‌آوری، ادراک طرفین از چشم‌انداز ریسک‌های بالای محتمل و ممکن، پایان رؤیابرداری از پیروزی قطعی و تضعیف موضع رادیکال‌های آمریکایی و ایرانی، شاید بتوان شانس‌هایی برای آن متصور بود. اگر هم شکلی از سناریوی تفاهم-توافق بین ایران و آمریکا صورت گیرد، این توافق در منگنه نگاه تاکتیکی، مقطعی و بی‌اعتمادی ایران و زیاده‌خواهی آمریکا و فشارهای اسرائیل، مانند توافق اسلام‌آباد در معرض فروپاشی است.

سناریو دوم: درگیری کنترل‌شده

سناریو دوم یعنی درگیری کنترل‌شده، مدل عجیبی از رابطه خصمانه ایران

یادداشت

جنگ و خطا در تشخیص نبودن آن



سیدجوادجمالی

کارشناس اقتصادی

دلیلی یکی از این موارد غیراکتسابی (مانند سلامتی، خانواده بامحبت، همسایه مهربان و...) حذف شوند، آنگاه نتایج زیان‌بار آنها بر زندگی هویدا می‌شوند و به‌طور حتم بر کیفیت زندگی اشخاص اثر منفی می‌گذارند و در این شرایط رسیدن به اهداف زندگی، سخت و دشوار می‌شود. فوکویاما در کتاب «لیبرالیسم و نارضایتی‌های آن» اقلامی مانند احترام، دلسوزی و محیط آرام و سالم برای زندگی را دارای‌هایی پنهان و نامشهود قلمداد می‌کند که در کنار دارایی‌های مشهود مانند لوازم خانه، اتومبیل و... بر میزان سطح کیفیت و مطلوبیت زندگی افراد تاثیرگذارند. حال در ادامه برای توضیح بیشتر اقدام مشکل داریم. ما در برابر آنچه وجود ندارد ناپیاییم. رولف دوبلی در کتاب «هنر شفاف اندیشیدن» می‌گوید: وقتی جنگی وجود دارد متوجه آن هستیم، اما در دوران صلح برای نبود جنگ ارزش قائل نمی‌شویم. اگر سالم باشیم، به‌ندرت راجع به بیماربودن فکر می‌کنیم. امنیت و صلح جزء موارد بدیهی لحاظ می‌شوند که تا زمانی که هستند مغفتم شمرده نمی‌شوند. آنها به‌صورت غیراکتسابی در ارتقای کیفیت زندگی یک جامعه مفید و مکنر بوده و به گفته فوکویاما می‌توان آنها را نوعی دارایی نامشهود در نظر گرفت. حال نزدیک به ۱۵ ماه است که کشور ایران طی چند مرحله مورد آماج حملات ائتلاف اسرائیلی-آمریکایی قرار گرفته و در کنار خسارت‌های اقتصادی و زیرساختی به کشور، شماری از عزیزان و هموطنان جان خود را از دست داده‌اند. از سوی مقابل و برخلاف انتظار نیروهای متخاصم، رزمندگان و دلاورمردان ایرانی با تمام قوا در مقابل متجاوزان از کیان کشور دفاع کردند. در کنار رشادت‌های نیروهای مسلح، دستگاه سیاسی کشور نیز در حال نبرد در جبهه دیپلماسی است.

طی بزرگداشتی در سینماک موزه هنرهای معاصر تهران مطرح شد

قدردان فعالیت‌های

مهدی فیروزان هستیم

۱۲

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از بحران تمدید گواهی امنیتی بانک‌ها و راه‌حلی که خود می‌تواند بحران تازه‌ای بسازد

بانکداری آنلاین

در لبه ناامنی

۸

تحلیل انتخابات آلمان در گفت‌وگو با علی بیگدلی، کارشناس مسائل اروپا

جان دوباره جریان

راست‌گرایی در اروپا

۵

جایزه «جورج هیویت مایرز» برای پرویز تناولی و ۶۰ سال جست‌وجو در میان دستبافته‌های اقوام ایران

آنجا که تاریخ هنر کمتر

نگاه کرده است

۱۱

ملاقات با کربلایی عباس‌علی و سقاخانه‌اش

وقتی شهر، قصه پنهانش

را آشکار می‌کند

۹

«شرق» از آثار و تبعات تشدید تحریم و جنگ بر صنعت هوایی کشور گزارش می‌دهد

پرواز درمخمسه

۴

هشدار روزنامه‌نگاران و کارشناسان درباره استفاده بی‌ضابطه از هوش مصنوعی و تاثیر آن بر کیفیت و هویت روزنامه‌نگاری

هوش مصنوعی علیه قلم

۱۰

یادداشت

موتورسواری زنان و وزارت کشور



عبدالله رمضان‌زاده

۱- یکی از ویژگی‌های دیوان‌سالاری‌های (بوروکراسی‌ها) مدرن اصل تقسیم کار میان نهاده‌ها و سازمان‌هاست. این تقسیم کار هم میان سازمان‌های دولتی (حکومتی) و سازمان‌های غیرحکومتی و هم میان خود سازمان‌های خاص حکومت است. تفکیک قوا که شاخص‌ترین وجه این تقسیم کار است از همین جنس است. بزرگ‌ترین سازمان قوه مجریه است که به دلیل کثرت وظایف، تقسیم‌کار گسترده‌ای را شامل می‌شود. یکی از وظایف قوه مجریه، تدوین آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها براساس قوانین مصوب و ابلاغ آنهاست. تفسیر بخش‌نامه‌ها هم بر عهده خود قوه مجریه است مگر در جایی که قوه مقننه آن را منطبق بر قانون نداند یا دیوان عدالت اداری آنها را خلاف قانون بداند.

۲- نیروی انتظامی که عهده‌دار اجرای سیاست‌های تأمین امنیت داخلی است، در اکثر کشورهای دنیا مجری سیاست‌هایی است که توسط وزارت کشور که سیاست‌گذار امنیتی است، اتخاذ می‌شوند (در برخی کشورها پلیس تابع شهرداری است). اما در هیچ کشوری سیاست‌گذاری امنیتی را به پلیس نمی‌سپارند، فرض بر این است پلیس مسلح است و ممکن است در سیاست‌گذاری، سیاست‌های مبنی بر اعمال زور را تدوین کند و در نتیجه آزادی‌های فردی و عمومی محدود شوند.

۳- در کشور ما نیز گرچه پلیس تحت کنترل قوه مجریه نیست، ولی به‌طور معمول اختیارات ولی ققیه در امور انتظامی به وزیر کشور تفذیم می‌شود؛ بنابراین سیاست‌گذاری در امور انتظامی وظیفه وزیر کشور است و بسته به توان وزیر کشور، سیاست‌های خاص اتخاذ و برای اجرا به پلیس ابلاغ می‌شوند.

۴- بدیهی است که قانون اساسی در حصر تدوین و رهبری در حصر تفویض

در نظر داشته‌اند که سیاست‌گذاری

را به نیروی مسلح واگذار نکنند،

چون عواقب آن خطرناک است.

۳۳ صفحه ادامه‌در ۸

۳۳ صفحه ادامه‌در ۵